

طبقه‌بندی نقوش سفالینه‌های منقوش دوران اسلامی جزیره قشم

میترا شاطری^۱، علیرضا خسروزاده^۲، زهرا بخت‌آور^۳

چکیده

بررسی دقیق و قابل فهم از سفالینه‌ها نیازمند طبقه‌بندی است. سفال را می‌توان از جنبه‌های مختلفی از جمله از نظر خمیره، رنگ، شاموت، نوع ساخت، زمان ساخت و نقش مورد طبقه‌بندی و مطالعه قرار داد. از آنجایی که ارائه طبقه‌بندی که تمامی شاخصه‌ها را در نظر بگیرد کاری مشکل است و تاکنون طبقه‌بندی مطلوب این-چنینی امکان‌پذیر نبوده است؛ می‌توان سفالینه‌ها را بر اساس شاخصه‌های طبقه‌بندی به صورت جداگانه مورد طبقه‌بندی قرار داد. سفالینه‌های منقوش دوران اسلامی قشم را نیز می‌توان تنها بر اساس شاخصه نوع نقش، طبقه‌بندی نمود و به این پرسش پاسخ داد که نقوش سفالینه‌های منقوش دوران اسلامی قشم شامل چه نوع نقوشی است؟ هر کدام از این طبقات چه میزان از فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد؟ این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و میدانی و به صورت توصیفی تحلیلی انجام گرفته است در راستای اهداف مذکور به این نتایج دست یافته است که سفالینه‌های منقوش دوران اسلامی قشم را به دو طبقه هندسی و گیاهی می‌توان تقسیم کرد که هر کدام دارای زیرمجموعه‌هایی است و از تعداد هشتاد و دو نمونه سفالی این نتیجه حاصل شد که نقوش هندسی فراوانی بیش‌تر را از مجموع سفالینه‌ها به خود اختصاص می‌دهد.

کلید واژگان: سفال، منقوش، دوران اسلامی، نقوش هندسی، نقوش گیاهی.

۱- استادیار رشته باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد، mshateri@yahoo.com

۲- استادیار رشته باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد، akhowsrozade@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهرکرد، zahrabakhtavar1372@gmail.com

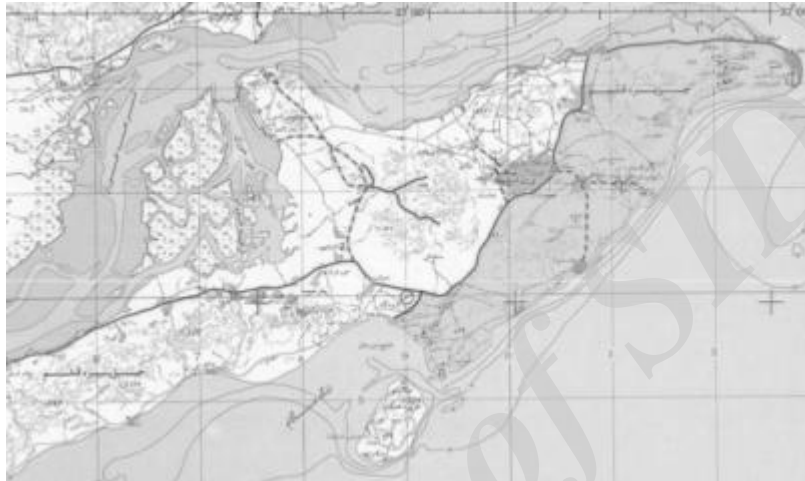
مقدمه

سفالگری یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای بشری بوده است که حاصل آن مورد استفاده تمامی قشرهای جامعه قرار گرفته است. با توجه به مواد لازم برای تولید سفال، امکان ساخت سفال در هر منطقه‌ای وجود داشته است؛ به همین دلیل یافته‌های سفالی یکی از گسترده‌ترین مواد فرهنگی است که در اکثر محوطه‌ها از دوران نوسنگی تا دوران متاخر اسلامی غالباً با حجمی گسترده نسبت به دیگر مواد فرهنگی به دست می‌آید.

سفال یکی از کهن‌ترین مصنوعات است که بشر آن را بستر هنر و اندیشه خود، ساخته است. از کهن‌ترین تزئینات به دست آمده بر سفالینه‌ها، گونه منقوش است که نقوش آن می‌تواند شاخصه‌ای جداگانه برای طبقه‌بندی باشد. در بررسی‌های روش‌مندی که طی دو فصل علی‌رضا خسروزاده در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۱ در جزیره قشم انجام داده است تعداد زیادی از این گونه سفالین به دست آمده است که طبقه‌بندی نقوش آن هدف اصلی این پژوهش است.

تنها بررسی صورت گرفته در جزیره قشم پیش از بررسی سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۰ در سال ۱۳۴۸ انجام شده است که طی آن جواد بابکراد موفق به شناسایی و ثبت ۷۳ اثر و محوطه باستانی شد. در همین حین وی در محوطه گورفرنگی کاوش‌هایی انجام داد که تعدادی سفال ساده و لعاب‌دار مربوط به سده‌های نخستین اسلام تا دوره صفویه به دست آورد. در سال‌های نه‌چندان دور نیز بررسی‌ها و کاوش‌هایی در جزیره قشم انجام شده است؛ که از جمله می‌توان به بررسی کوتاه‌مدت لباف‌خانگی در سال ۱۳۶۰ اشاره نمود که طی آن چند محوطه باستانی را بررسی و مطالعه کرد. در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ احسان یغمایی طی دو فصل، کاوش‌هایی در قلعه پرتغالی‌ها انجام داد که در نتیجه آن برخی از فضاها درونی قلعه و برج‌های چهارگانه مشخص شد. از مهم‌ترین مواد فرهنگی به دست آمده از این کاوش می‌توان به اشیای شیشه‌ای و شمار زیادی از سفال‌های ساده، لعاب‌دار، سلاذن و چینی آبی و سفید و گلوله‌های سنگی و فلزی کروی مربوط به زمان صفویه و قاجاریه اشاره کرد. علی‌رضا خسروزاده بررسی‌هایی طی دو فصل در جزیره قشم انجام داد. فصل نخست این بررسی‌ها در بهمن و اسفند ۱۳۸۴ به انجام رسید و ۵۳ محوطه از دوره‌های گوناگون شناسایی شد. محدوده مورد بررسی در فصل اول شامل بیش‌تر بخش‌های شرقی‌تر جزیره قشم، منطقه‌ای که قشم و درگهان و شیب‌دراز در سه ضلع آن قرار دارند، بود. محوطه‌های مورد بررسی در این فصل شامل روستاهای شیب‌دراز، باغبالا، برکه‌خلف، جی‌جیان، خالدین، درگهان، دیرستان، رمچاه، رمکان، ریگو، زیرانگ، سهیلی، گیاهدان، مسن و نخل‌گل بود. فصل دوم بررسی نیز در اسفند ۱۳۹۰ و فروردین ۱۳۹۱ انجام شد (شکل ۱). محدوده مورد بررسی در فصل دوم شامل محوطه‌هایی غیر از محوطه‌های فصل نخست است که شامل محدوده غربی و مرکزی جزیره قشم است. روستاهای مورد بررسی در این فصل عبارتند از: باسعیدو،

بندر لافت، بنگالی، بی‌پشت، تمبان، تم سنتی، توریان، جی‌جیان، درکو، ذوستکو، دولاب، صلخ، طبل، کاروان، کانی، کنار سیاه، کوشه، کوزین، گامبرون، گربه‌دان، گوران، نقاشه، هفت رنگو و هلر (خسروزاده و مرتضایی، ۱۳۹۴: ۶۴).



شکل ۱: محدوده مورد بررسی فصل اول در جزیره قشم (نگارندگان)

در پژوهش موردنظر با رویکردی تاریخی-توصیفی و تحلیلی در دو مرحله میدانی و کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شد. ابتدا موقعیت جغرافیایی جزیره قشم مطرح شد. سعی شد سفال‌گونه منقوش به صورت جامع و کامل توضیح داده شود. در مرحله بعد پیشینه مختصری ارائه گردید سپس سفالینه‌های منقوش به دست‌آمده از دو فصل بررسی روش‌مند علیرضا خسروزاده طبقه‌بندی و شاخصه‌ها مشخص شد سپس طراحی، عکاسی و مستندنگاری بر روی سفالینه‌ها انجام گرفت. سفالینه‌های منقوش دوران اسلامی از دیگر سفالینه‌ها متمایز شد. تعداد هشتاد و دو نمونه انتخاب شد و نقوش آن مورد طبقه‌بندی قرار گرفت و در نهایت مورد بررسی و تحلیل آماری قرار گرفت و در پایان، نتایج حاصل از پژوهش ارائه گردید.

موقعیت جغرافیایی جزیره قشم

در هر دو بخش شمالی و جنوبی خلیج فارس جزایر متعددی وجود دارد. جزایر ایرانی خلیج فارس از نظر حکومتی در سه استان خوزستان، بوشهر و هرمزگان قرار دارد. یکی از این جزایر که در حوزه حکومتی استان هرمزگان قرار دارد جزیره قشم با مساحت ۱۴۴۵ کیلومتر مربع است (تکمیل-همایون، ۱۳۸۰: ۱۹-۲۰). این جزیره در مدخل ورودی خلیج فارس در دهانه تنگه‌هرمز قرار گرفته

است. «جزیره قشم از شمال شرق به جزیره هرمز، از شرق به جزیره لارک، از جنوب به جزیره هنگام و از جنوب غرب به جزایر تنب بزرگ، کوچک و بوموسی محدود می‌گردد. فاصله جزیره قشم تا بندرعباس حدود ۲۰ کیلومتر و نزدیک‌ترین فاصله آن به ساحل اصلی کشور در دماغه‌ی شمالی جزیره از بندر لافت تا بندر پل حدود ۱۸۰۰ متر است طول جزیره قشم تا بندر باسعیدو در انتهای جزیره حدود ۱۳۰ کیلومتر است.» (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۸۱) (شکل ۱). این جزیره در ۵۶ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی و ۲۶ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد (بلوکباشی، ۱۳۷۹: ۱۱). این جزیره به عنوان یک راه اصلی از راه‌های تجاری در طول دوران تاریخی و اسلامی به کار رفته است (Hojabri, Khosrowzadeh, & Mousavi 2011,90).



شکل ۲: تصویر ماهواره‌ای جزیره قشم (www.google.com/earth)

سفال منقوش

نقاشی بر سفال یک روش متداول بوده است. این‌گونه تزیین قدیمی‌ترین شکل تزیین است که از هزاره پنجم پیش از میلاد تا دوران اسلامی به صورت طرح‌های هندسی هم‌چون جناغی، موازی و متقاطع بر روی سفال تصویر می‌شده‌اند (تقوی، موسوی‌حاجی، عابدینی عراقی، و خاکباز، ۱۳۹۵: ۳۵). در این روش سفالگر از گلابه برای پوشاندن خلل و فرج و سطح ناهموار سفال استفاده می‌کند

سپس آن را به کوره منتقل می‌کند و در نهایت سفال آماده نقاشی می‌شود (Nouri, 2016: 37). سفالگران متوجه شدند که اکسیدهای رنگی در زیر لعاب فلزی باعث می‌شود که لعاب، ماده رنگی را جذب کند و موجب روان شدن لعاب شود. سفالگران ایرانی جهت ساخت رنگدانه‌های پایدارتر آن‌ها را با کمی از خاک سفید ترکیب کردند. اگر چه آن موجب پایداری رنگ می‌شد اما رنگدانه‌ها روانی را از دست داد و این موجب شد که استفاده از آن محدود به طرح‌ها شود. (Cooper, 1972: 92) در واقع سفالگران شرق ایران این تکنیک نقاشی را به کار گرفتند. در این تکنیک به طور طبیعی سفالگر طرح و نقش را با یک انگوب رنگی بر گلابه اجرا می‌کرد. در این روش، سطح گل خودش زمینه رنگی برای تزیین را فراهم می‌کند (Wilkinson, 1897: 158). در کاوش‌های باستان‌شناسی از این نوع ظروف زیاد به دست نیامده و آنچه هم پیدا شده به دلیل نامناسب بودن شرایط، بیش‌تر رنگ ظروف زایل شده و چندان قابل تشخیص و استفاده نیست. از ظروف مکشوفه شوش چنین استنباط می‌شود که سفالگران، از این روش برای تزیین ظروف بدون لعاب استفاده نموده‌اند (توحیدی، ۱۳۷۹: ۲۵۹-۲۶۰). پیرامون این موضوع از جمله می‌توان به مطالعات فرانکن و کالسبیک در تل ابا قدم (Aba Qadam)، ریس در حما و هولو در قصرالحیر شرقی در این زمینه اشاره نمود (موسوی حاجی، توسلی، شیرازی، و زور، ۱۳۹۲: ۱۵۶).

پیشینه سفال‌گونه منقوش

سفال، فراوان‌ترین داده فرهنگی است که از طریق آن باستان‌شناسان می‌توانند به بررسی جنبه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بپردازند. بررسی نقوش سفالینه‌ها در طول زمان، به ما دیدی جامع از روند پیشرفت و یا پیچیدگی هنر نقش بسته بر سفالینه‌ها می‌دهد. از این روی بررسی پیشینه سفالینه‌های منقوش می‌تواند زمینه‌ای برای درک هرچه بهتر هدف مورد نظر باشد. قدیمی‌ترین سفال‌های به دست آمده از دوران نوسنگی است که از غار کمر بند در نزدیک بهشهر به دست آمده است. ابتدا سفال‌ها ساده و بدون نقش بودند. سفالینه‌های منقوش، از اوایل هزاره ششم قبل از میلاد و سپس در طول هزاره ششم از حفاریات علمی در مکان‌های متعددی از ایران به دست آمد (توحیدی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). در دوران نوسنگی به تدریج سفالینه‌ها را به نقش‌های هندسی ساده، منقوش کردند و در بیش‌تر مواقع سفال را با دوغاب غلیظی از رس اندود می‌کردند. این نقش‌ها با سوده سنگ منگنز طراحی شده است. در دوره مفرغ، در شکل ظروف تنوع بیش‌تری مشاهده می‌شود و نقوش به رنگ سیاه روی زمینه‌ای از لعاب گلی غلیظ ترسیم شده است. در این دوره علاوه بر نقوش ترکیبی، نقوش شامل هندسی، نقوش گیاهی، حیوانی و انسانی می‌شد. در دوران تاریخی نیز از این‌گونه سفالی از مناطق مختلف به دست آمده است (تمدن، ملیحه و

سرپولکی، حسین، ۱۳۸۵: ۵۶-۷۰).

سفالگری در سده‌های اولیه دوره اسلامی ادامه سفالگری دوره ساسانی است. سفالگری دوره ساسانی بیش‌تر متمایل به سادگی و در حد رفع نیازهای روزمره بود (شاطری و رحیمی، ۱۳۹۵: ۹۷). به طور کلی برخی از نقوش به‌کار رفته در تزیین سفالینه‌های پیش از تاریخ دوباره در دوران اسلامی رایج می‌شود به‌ویژه روی کاسه‌های نیم‌کروی، دایره‌های متحدالمرکز، ترکیب‌های شعاعی، دواپر مماس، طرح‌های مدور گاه با ضخامت شعاعی یا بخش‌های تقسیم‌بندی‌شده ترکیب شده است. نمی‌توان ادعا کرد که میان نقش‌های پیش از تاریخ و دوره اسلامی تداوم وجود دارد اما در عین حال پیدایی دوباره واحدهای مدور جالب توجه است (آپرپوپ، آرتر و اکرم، فیلیس، ۱۳۸۷: ۱۷۰۳). سفال‌گونه منقوش در دوران اسلامی در سیستان و بلوچستان، شوش، هرمزگان، نیشابور و هم‌چنین قشم به دست آمده است (تکمیل‌همایون ۱۳۸۰، ۱۹-۲۰). به طور خلاصه در سفالینه‌های منقوش دوران اسلامی نقوش متنوع را می‌توان مشاهده کرد.

طبقه‌بندی نقوش سفالینه‌های منقوش دوران اسلامی جزیره قشم

منظور از طبقه‌بندی در باستان‌شناسی، ارائه یک وسیله تحقیق و شیوه‌ای جهت تنظیم داده‌هاست. تمام طبقه‌بندی‌های مطرح در باستان‌شناسی مستقیماً با مسائلی است که مورد بررسی و مطالعه قرار دارند. طبقه‌بندی در باستان‌شناسی هم جنبه توصیفی و هم جنبه تفسیری دارد (یاوری، احمد و طلایی، حسن، ۱۳: ۶۵).

تا قبل از قرن نوزدهم حفاران به تکه سفال‌ها اهمیتی نمی‌دادند. برای اولین بار در کاوش‌های شوش، نقوش هندسی قطعات سفالی برای یک طبقه‌بندی مقایسه‌ای و تفکیک مراحل استقرار یابی مطالعه شد اما پیش از آن، چنین اهدافی دنبال نمی‌شد (موسوی، ۱۳۷۱: ۱۳). در این پژوهش به طبقه‌بندی نقوش تکه سفال‌های دوران اسلامی جزیره قشم پرداخته شده است. ابتدا سفالینه‌هایی که علیرضا خسروزاده در دو فصل بررسی خود جمع‌آوری نمود؛ سپس از میان سفالینه‌های منقوش، تعداد هشتاد و دو تکه سفال برای نمونه انتخاب شد؛ این‌گونه سفالی در دو نوع ساخت چرخ‌ساز و دست‌ساز هستند. سفالینه‌های با نوع ساخت دست‌ساز شامل سفال قرمز یا نخودی رنگ است و برای سفالینه‌های با نوع ساخت چرخ‌ساز تقسیم‌بندی زیر را می‌توان ارائه داد:

- ۱) سفال قرمز با پوشش سیاه و قهوه‌ای، قرمز و سیاه یا قهوه‌ای قرمز با ماده چسباننده شن و آهک
- ۲) سفال قهوه‌ای - قرمز با پوشش قهوه‌ای یا سیاه
- ۳) سفال سیاه با مغز قهوه‌ای یا قهوه‌ای - قرمز
- ۴) سفال سیاه با ماده چسباننده شن ریز و درشت

۵) سفال خاکستری با پوشش سیاه و قهوه‌ای

۶) سفال نارنجی


۷) سفال نارنجی با پوشش سیاه و قهوه‌ای

۸) نخودی

براساس نقوش، این گونه سفالی، مورد طبقه‌بندی قرار گرفت و هر طبقه براساس نوع نقوش نام‌گذاری و کدگذاری شد. شکل‌های رایج سفالینه‌های منقوش مورد بررسی بیش‌تر برای ظروف کاربردی معمولی ساخته‌شده است که عموماً در شکل‌های دیگچه‌های پخت‌وپز، کاسه، بشقاب و کوزه بوده است.

جدول شماره ۱: طبقه‌بندی نقوش هندسی

نقوش هندسی	طبقات	کد
	نقش خطوط مستقیم	۱۰
	نقش شعاعی	۲۰
	نقش جناغی	۳۰
	نقش خطوط موج	۴۰
	نقش خطوط منحنی	۵۰
	نقش خطوط نردبانی	۶۰
	نقش هفتی	۷۰
	نقش مثلث	۸۰
	نقش خطوط مستقیم و نقطه‌ای	۹۰

کد	طبقات	نقوش هندسی
۱۰۰	نقوش نامشخص	

جدول شماره ۲: طبقه‌بندی نقوش گیاهی

کد	طبقات	نقوش گیاهی
۱۱۰	نقش گندم	
۱۲۰	نقش برگ	

نقوش هندسی

نقش خطوط مستقیم: به گفته آپریوپ، سفالگران دوران اسلامی، علاقه کمی به خط‌های حاشیه‌ای دارند (آپریوپ و اکرمین، ۱۳۸۷: ۱۷۰۸). تعداد زیادی از سفالینه‌ها دارای این نوع از نقش هستند. که به صورت تکی، دوتایی، سه‌تایی هستند. گاه خطوط مستقیم عمودی و گاه افقی و گاهی در یک طرح باهم ترکیب می‌شوند. این طرح برای ظروف با فرم باز مانند دیگچه‌های پخت‌وپز و کاسه و هم‌چنین برای ظروف با فرم بسته همانند کوزه به کار رفته است. خطوط مستقیم، گاهی باریک و گاهی ضخیم هستند. معمولاً این گونه نقش را در لبه تکه سفالینه‌ها می‌توان مشاهده کرد. در برخی از تکه سفال‌ها دیده می‌شود که رنگ شره کرده است.

نقش شعاعی: بر تکه سفالی که متعلق به یک کاسه است و از محوطه نخل‌گل به دست آمده است می‌توان این گونه از نقش را مشاهده کرد. بر ظرف مربوط به نخل‌گل دو باند در یک مرکز به هم می‌رسند و در میان آن‌ها دایره‌های درشتی نقش شده است که هر ردیف از این نقاط دوایر نامنظمی را تشکیل می‌دهد.

نقش جناغی: این گونه از نقش بر دیگچه‌های پخت و پز نقش شده‌اند. نقوش جناغی به باند نقش شده بر لبه متصل شده‌است.

نقش خطوط موج: این گونه از نقش را به دو صورت خطوط موج پیوسته و خطوط موج

گسسته مشاهده می‌کنیم. خطوط موج پیوسته به‌صورت عمودی و خطوط موج گسسته به صورت افقی نقش شده‌اند. خطوط موج پیوسته به‌صورت موازی از نوار باریک لبه کوزه نشأت گرفته و نقاشی شده‌اند. این خطوط موج موازی می‌تواند نشان‌گر جریان آب باشد که از آن می‌توان کاربرد آن را متوجه شد. در نقش خطوط موج به‌صورت گسسته، نیز بر نوع فرم بسته ظرف ترسیم شده است. دارای یک نوار پهن در لبه است و خطوط موج گسسته در بدنه ظرف نقاشی شده است.

نقش خطوط منحنی: این‌گونه از نقش نیز بر دیگچه‌های پخت و پز نقش شده‌است. منحنی‌ها به تعداد تکی و چندتایی است. چندتایی‌ها در کنار هم و متصل به باند لبه ظرف نقش شده‌اند. نقش خطوط نردبانی: این‌گونه از نقش بر دو تکه سفال از نوع بدنه نقش شده است. خطوط متقاطع عمودی و افقی، نردبانی را شکل می‌دهد.

نقش هفتی: یک هفتی کوچک و یک هفتی بزرگ در کنار یکدیگر ترسیم شده‌اند. از این نمونه نقش تنها یک نمونه بر تکه سفالی از نوع کف مشاهده شده‌است. احتمالاً این نقش از نوع شعاعی بوده است و نقوش هفتی به‌صورت متناوب در کنار هم ترسیم شده بودند.

نقش مثلی: در این‌گونه از نقش، سفالینه‌ها به‌صورت پیوسته و با تکرار مشاهده می‌شود. گاه مثلث‌ها توپیر و گاه با هاشور نقش شده‌اند. این‌گونه نقش بر تکه سفال‌های از نوع بدنه مشاهده شده‌است.

نقش خطوط مستقیم و نقطه‌ای: خطوط مستقیم به‌صورت باندهای تکی یا دوتایی بر لبه ظرف است که گاه خطوط تکی و یا چندتایی به‌صورت موازی به باندها متصل شده‌است. در کنار باند و یا خطوط عمود بر باند، نقاط توپیری به‌صورت موازی در چند ردیف نقش شده‌است. این‌گونه از نقش بر تکه سفال‌های از نوع لبه مشاهده شده‌است.

نقوش بی‌هدف: بر ظرفی از فرم باز، نقاش گویی قلم‌موی خود را بی‌هدف بر بدنه ظرف تکان داده است و رنگ نیز از آن شره کرده است.

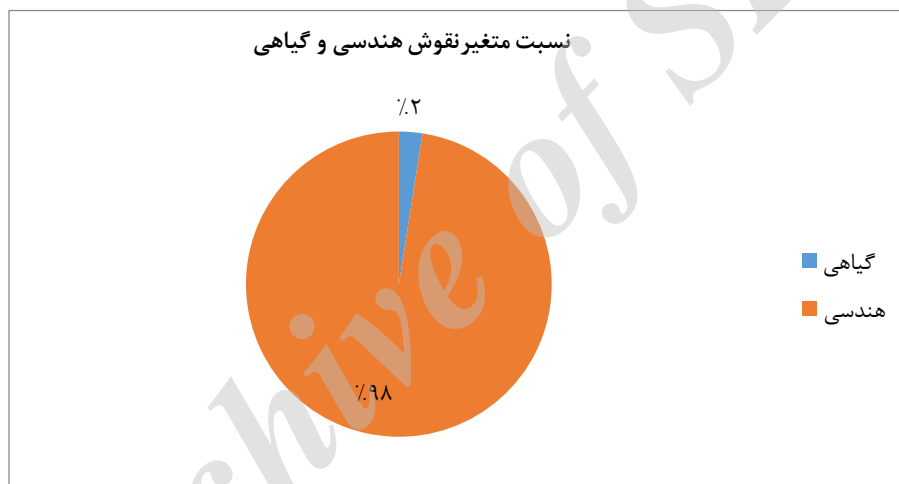
نقوش گیاهی

نقوش گیاهی: نقوش گیاهی شامل نقش گندم و نقش برگ است. نقش گندم بسیار ساده، با یک خط مستقیم که شاخه آن را تشکیل می‌دهد و خطوط کوتاهی از تنه، انشعاب می‌شود که نشان‌دهنده گندم است. این طبقه از نقوش، بر تکه سفالینه‌های مربوط به ظروف با فرم باز مشاهده شده است و کم‌ترین جامعه آماری به این طبقه اختصاصی دارد. در نقش برگ، با رنگ مشکی برگ‌های بزرگ کشیده‌ای بر ظرف با دورگیری بسیار ضخیم نقش شده است. خط میانی برگ با دایره‌های توپری نقطه‌چین شده است. طرح موردنظر با یک نوار مشکی از لبه ظرف جدا شده است.

مقایسه آماری متغیرهای نمونه‌های سفالینه‌های گونه منقوش دوران اسلامی جزیره قشم: مقایسه نسبت‌های متغیرهای مختلف در موضوعات متعدد، می‌تواند دیدی همه‌جانبه به پژوهشگر بدهد. مباحث باستان‌شناسی نیز از این راهبرد بی‌بهره نمانده و بسیار در مقایسات، برای باستان‌شناسان کاربردی است. از این‌رو در این مقاله به مقایسه آماری متغیرهای مختلف نمونه‌های سفالی گونه منقوش جزیره قشم پرداخته شده است.

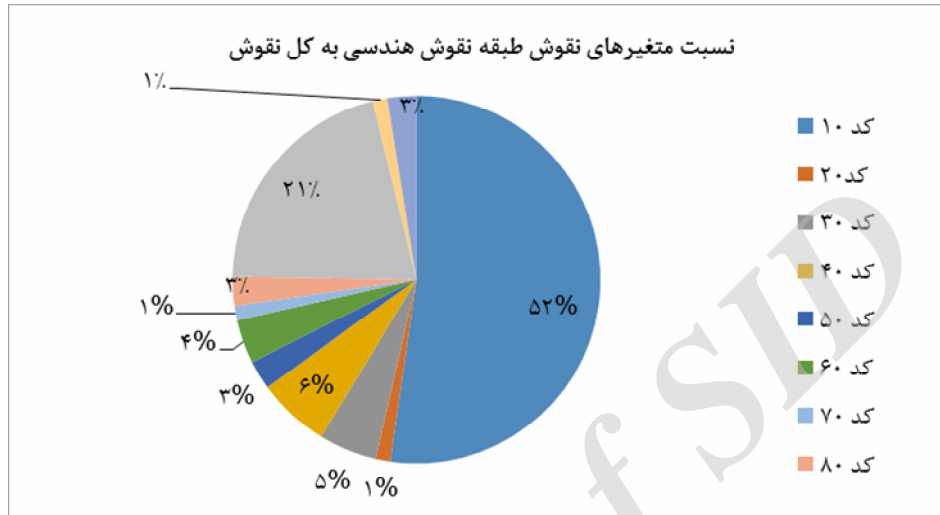
۱- نقوش هندسی ۹۸٪ و نقوش گیاهی ۲٪ از مجموعه کل متغیر نقش را تشکیل می‌دهد.

نمودار ۱: نسبت متغیر نقوش هندسی و گیاهی



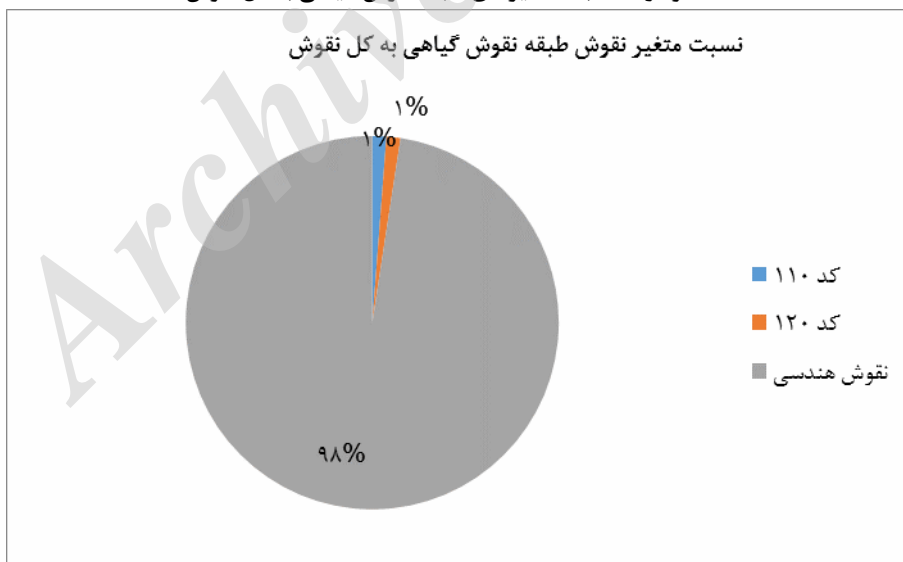
۲- در مجموعه نقوش هندسی نقوش خطوط مستقیم بیش‌ترین تعداد را به خود اختصاص می‌دهد که ۵۲٪ از کل مجموعه را شامل می‌شود و نقوش شعاعی، هفتی و نقوش نامشخص کم‌ترین تعداد را دارند که تنها شامل یک نمونه هستند.

نمودار ۲: نسبت متغیرهای نقوش طبقه هندسی به کل نقوش



۳- کم‌ترین تعداد مربوط به نقوش گیاهی است که هر کدام شامل یک نمونه است و تنها ۱٪ از کل مجموعه را به خود اختصاص می‌دهد.

نمودار ۳: نسبت متغیرهای طبقه نقوش گیاهی به کل نقوش



نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفته شد؛ این پژوهش براساس یافته‌های بررسی علیرضا خسروزاده در جزیره قشم است؛ که طی دو فصل در بهمن و اسفند ۱۳۸۴ و اسفند ۱۳۹۰ و فروردین ۱۳۹۱ انجام گرفت. در این پژوهش تعداد هشتاد و دو نمونه سفال منقوش اسلامی انتخاب شد و نقوش آن مورد مطالعه قرار گرفت. سفال‌های به دست‌آمده دوران اسلامی مربوط به اوایل اسلام تا دوران متاخر اسلامی است. نقوش را به دو طبقه گیاهی و هندسی می‌توان تقسیم نمود. در طبقه نقوش هندسی ده گروه نقشی در نظر گرفته شد که به هرکدام یک کد اختصاص داده شد. گروه‌های طبقه نقوش هندسی شامل: نقش خطوط مستقیم (کد ۱۰)، نقش شعاعی (کد ۲۰)، نقش جناغی (کد ۳۰)، نقش خطوط موج (کد ۴۰)، نقش خطوط منحنی (کد ۵۰)، نقش خطوط نردبانی (کد ۶۰)، نقش هفتی (کد ۷۰)، نقش مثلث (کد ۸۰)، نقش خطوط مستقیم و نقطه‌ای (کد ۹۰)، نقوش نامشخص (کد ۱۰۰) است. نقوش هندسی نیز شمال دو زیرگروه می‌باشد که شامل نقش گندم (کد ۱۱۰)، نقش برگ (کد ۱۲۰) است. فرم سفالینه‌ها نیز به صورت کاسه، دیگچه‌های پخت‌وپز، کوزه و بشقاب است. این مطالعات بیان‌گر این است که سفال‌ها مربوط به ظروف معمولی و دارای کاربرد روزانه بوده‌اند. ۹۸ درصد از کل نقوش، نقوش هندسی است و دو درصد دیگر نقوش گیاهی است. بیش‌ترین درصد فراوانی نقوش مربوط به طبقه هندسی، نقوش خطوط مستقیم است که ۵۲ درصد از نقوش را به خود اختصاص داده است. نقوش گیاهی نیز تنها شامل دو زیرمجموعه است که شامل نقش گندم و نقش برگ می‌شود؛ بنابراین هرکدام از نقوش گیاهی تنها یک درصد از کل درصد فراوانی سفالینه‌های منقوش دوران اسلامی قشم را به خود اختصاص می‌دهد.

منابع

- آپرپوپ، آرتور، اکرم، فیلیس، (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز (سفالگری، خوشنویسی و کتیبه نگاری)، ترجمه نجف دریابندی و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، جلد چهارم.
- بلوکباشی، علی، (۱۳۷۹)، جزیره قشم: صدف ناشکافته خلیج فارس، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- تقوی، عابد، موسوی، سید رسول، عابدینی، مهدی، خاکباز، انسیه، (۱۳۹۵)، «مطالعه سفالینه‌های محوطه شاه‌نشین شهر تاریخی فریم»، میانه: همایش ملی باستان‌شناسی و هنر سفال و سفالگری، صص ۳۲-۵۳.
- تکمیل‌همایون، ناصر (۱۳۸۰)، خلیج فارس، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- تمدن، ملیحه، سرپولکی، حسین، (۱۳۸۵)، «سفال گلابه‌ای بررسی کاربرد گلابه یا پوشش گلی در تاریخ سفالگری ایران»، نشریه گلستان، ش ۳، صص ۵۴-۷۰.
- خسروزاده، علیرضا، (۱۳۹۲)، «محوطه‌ها و استقرارهای اشکانی جزیره قشم»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ش ۵، فصل پاییز و زمستان، صص ۷۹-۱۰۰.
- خسروزاده، علیرضا، مرتضایی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی آثار و محوطه‌های اسلامی جزیره قشم»، فصلنامه علمی فنی هنری اثر، فصل تابستان، ش ۶۹، صص ۷۸-۶۹.
- شاطری، میترا، رحیمی، کاوه، (۱۳۹۵)، «سفال گلابه‌تراشی شانلووه»، میانه: همایش ملی باستان‌شناسی و هنر سفال و سفالگری، صص ۹۴-۱۰۷.
- موسوی، علی، (۱۳۷۱)، «ژاک دمورگان و حفاری در شوش»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، ش ۱۱-۱۲، صص ۱۳-۱۹.
- موسوی‌حاجی، سیدرسول، محمدمهدی توسلی، روح‌الله شیرازی، مریم زور، (۱۳۹۲)، «تحلیل ساختاری نقوش سفال نوسنگی شمال غرب ایران»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ش ۵، فصل پاییز و زمستان، صص ۱۲۱-۱۴۰.
- یآوری، احمد، طلائی، حسن. (۱۳۸۴)، تحلیل ساختاری نقوش سفال نوسنگی شمال غرب ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، صص ۶۱-۷۷.
- Emmanuel Cooper, (1972), Ten thousand years of pottery, London: the British Museum.
- Hojabri, Alireza, Khosrowzadeh, Alireza, & Mousavi, (2011), «Trade and culture contacts between northern and southern Persian gulf during Partian and Sasanians: A study based on pottery from Qeshm island», VOI 18, pp89-110.
- Wilkinson, Charlesk, (1973), «Nishapur: pottery of early Islamic period», New

York: The Metropolitan museum of Art.

- Nouri, najmeh, (2016), «Case study: A sample of slip painted buff ware to treasuryof Tehran Bonyad museum», International journal of Archeology, No: 4, pp36-43.

Archive of SID